



آمیخته شدن علوم با حکمت الهی آنها را اسلامی می نماید

دکتر اعوانی با بیان اینکه هنر شیعی مبتنی بر ولایت است؛ به تفاوت هنر شیعی با هنر جدید پرداخت و گفت: هنر آنطور که در جهان امروز اتفاق افتاده با علم جدید همراه است اما از حکمت الهی جداست و در واقع امروز هم علم و هم هنر از حکمت بریده است و اگر علوم با حکمت الهی پیوند می خوردند اسلامی می شدند.

دکتر اعوانی با بیان اینکه هنر شیعی مبتنی بر ولایت است؛ به تفاوت هنر شیعی با هنر جدید پرداخت و گفت: هنر آنطور که در جهان امروز اتفاق افتاده با علم جدید همراه است اما از حکمت الهی جداست و در واقع امروز هم علم و هم هنر از حکمت بریده است و اگر علوم با حکمت الهی پیوند می خوردند اسلامی می شدند.

به گزارش خبرنگار مهر، دکتر غلامرضا اعوانی رئیس انجمن بین المللی فلسفه اسلامی در همایش ملی "هنر و تمدن شیعی" که یکشنبه 10 اردیبهشت ماه در حوزه هنری برگزار شد؛ طی سخنانی به تبیین معنای هنر پرداخت و گفت: اگر تعریفی بخواهیم از هنر بدهیم که در قالب سنتی، الهی و شیعی بگنجد؛ باید بگوییم که "هنر" نوعی ابداع در نهایت کمال است. ابداع یک صفت الهی است و انسان نیز به عنوان خلیفه الله خلق می کند.

وی تمام صفات هنر را دارای جنبه الهی دانست و در ادامه تأکید کرد: هنر دارای سه وجه وجودی، معرفتی و نفسانی است که با هم پیوند دارند. ما بیشتر وجه سوم هنر را می بینیم و در وجه معرفتی و وجودی آن کمتر تأمل می کنیم.

این استاد برجسته فلسفه، زیبایی را ظهور کمال خواند و افزود: جمال و کمال با هم مرتبط هستند و تا کمال نباشد جمال روی نمی کند. زیبایی در کلمه "حسن" خلاصه شده است. کلمه حُسن و احسان در قرآن هم کمال به معنای جمال و هم کمال در معرفت است و هم احسان مرتبه ای از وجود انسان است و "محسنین" که در قرآن آمده کسانی هستند که به درجه کمال رسیده اند.

دکتر اعوانی به تبیین هنر در سرزمین وحی پرداخت و گفت: سرزمین وحی وارث پیامبری است که "یعلمهم الکتاب و الحکمه" است و این حکمت در همه ابعاد زندگی اش ظاهر شده است. فلسفه در سرزمین وحی "حکمت الهی" است چنانکه در اسلام بوده است. برای همین هنر هم در سرزمین وحی با حکمت الهی ارتباط دارد.

وی افزود: هر اثر هنری از آثار حکمت الهی است؛ هنر آنطور که در جهان امروزه اتفاق افتاده با علم جدید همراه است اما از حکمت الهی جداست و در واقع هم علم و هم هنر از حکمت بریده است. اگر علوم با حکمت الهی پیوند می خوردند اسلامی می شدند. هنر سنتی ما همواره با حکمت همراه بوده است. دشوارترین بیان حکمت، حکمت در خاک، سنگ و چوب است و این هنرمندان سنتی ما بودند که حکمت الهی را ظاهر کردند.

وی با اشاره به نگاه افلاطون به هنر و هنرمند، تصریح کرد: هنر جزء مقوم تمدن است؛ اگر دین اساس نظری و حکمت عملی داشته باشد با هر نوع ابداع و هنری جور نمی آید بلکه باید با مبانی سازگار باشد و هنرمندان ما نه تنها اهل ایمان و عمل صالح بودند بلکه اهل ذکر بودند.

دکتر اعوانی به تفاوت هنر شیعی و اسلامی با هنر جدید پرداخت و گفت: اولاً هنر دینی نوعی تقدس است که تداعی کننده حضور الهی است. ثانیاً هنر دینی و اسلامی برخلاف هنر جدید، پاسخگوی ابعاد جسمانی و روحانی است. هنر دینی باید پاسخگوی تمام نیازهای مادی و معنوی انسان باشد. پس هنر دینی و اسلامی و خاصه شیعی که با "ولایت" ارتباط داد، شخص را الهی می کند.

رئیس سابق مؤسسه حکمت و فلسفه ایران افزود: هنر وحیانی موجب ایجاد فکر و موجب سکون و آرامش نفس می شود که این با مسئله "ولایت" که در تفکر شیعه متبلور است بسیار در ارتباط است. چون مقام هنرمند مسلمان و شیعه مقام "عبودیت" است و خودبنیان نیست بلکه خدابنیان است. هنر دینی باید با اعمال عبادی مناسبی داشته باشد علاوه بر آن هنر شیعی انسان را زندانی نمی کند و یک افق لامتناهی به عوالم ملکوت و جبروت و لاهوت می گشاید و باعث انبساط و شادی می شود.

وی به تشریح مفهوم "ولایت" در تفکر شیعه پرداخت و افزود: ولایت به معنی "تقرب به حق" است. ریشه ولا به معنی "نزدیک شدن" است. و خداوند در سوره نجم به این مسئله اشاره دارد که انسان به آن درجه از قرب او ادنی می رسد و هنر راه تقرب است.

چهره ماندگار فلسفه با تأکید بر اینکه هنر تشیع مبتنی بر اصل ولایت و امامت است؛ در توضیح این مطلب به تفاوت زمان و مکان پرداخت و گفت: شیعه معتقد است که بعد از رسالت و ختم نبوت "ولایت" که باطن نبوت است، ادامه دارد. برخلاف نظریه خلافت که اهل سنت بر آن باور دارند، شیعه معتقد است که این ولایت که باطن نبوت است تا سال 260 بر روی کره زمین ادامه داشته و امتداد

باطن رسالت از طریق امام حی صورت می گیرد و در غیبت خودش حضور و ظهور دارد.

دکتر اعوانی افزود: مفهوم "امام زمان" از نظر حکمی قابل توجه است و در تمام ازمنه وجود دارد و این در نظریه اهل سنت و نظریه خلافت نیست مگر در عرفا چراکه عرفا معتقد به ولایت هستند. با تداوم روح نبوت و رسالت در تاریخ، تاریخ و زمان نیز با ولایت مقدس می شود چه در حضور امام در طول 260 سال و چه در غیبت امام که در غیبت هم ظهور دارد این زمان و مکان مقدس می شود.

وی تأکید کرد: شیعه زمان را هم مقدس می داند و زمان چیز دیدنی نیست بلکه با نفس ادراک می شود؛ قدسی شدن زمان و تاریخ در شیعه مورد غفلت مانده است. از طرفی زمان در کره زمین دوری است و همه چیز تکرار می شود و عاشورا، نیمه شعبان و... تکرار می شود و زمان با این تکرار قدسی می شود.

وی با بیان اینکه "هنر" کیمیاگری است؛ افزود: نمی دانیم که کیمیاگری وجود داشته یا خیر اما کیمیاگری هنر، خیلی بالاتر از کیمیاگری مس به طلا است چون هنر مقدس و شیبی به معنای واقعی کلمه کیمیا است و مصداق این مسئله شعر "آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند آیا شود که گوشه چشمی به ما کنند" است.

رئیس انجمن بین المللی فلسفه اسلامی گفت: هنرمند سنتی با نظر خودش و با ارتباطش با عالم معانی و حقایق به خاک حالت روحانی می دهد و این با ولایت تکمیل می شود و معنای کیمیای واقعی "ولایت" است. وقتی دو کیمیای هنر و ولایت با هم آمیخته شود غوغا می کند و این اتفاق در هنر اسلامی خاصه در هنر شیعی این اتفاق افتاده است.

وی افزود: در عالم اسلام، هنرمندان با "فتوت" در ارتباط بودند و اهل جوانمردی بودند و فتوت نامه نویسان گفته اند "فتوت" از ارکان ولایت است و با ولایت باطنی ارتباط داشتند. ارتباط هنرهای اسلامی با فتوات به معنای ولایت است.

اعوانی بر عرفان به تشیع تأکید کرد و یادآور شد: عرفان هم ولایت است؛ عارف باید همیشه ولی باشد. علمای شیعه در مورد عرفان اختلاف نظر دارند اما من قول قاضی نورالله شوشتری را در این مورد قبول دارم که می گوید کسی که قائل به ولایت علی بن ابیطالب(ع) باشد او را "شیعه" می گویند که این نظر در اهل سنت نیست مگر در عرفا چراکه عرفا قائل به "ولایت" هستند و زیباترین شعر را در وصف حضرت علی (ع) مولانا سروده است که هر مصرع آن کمالات ولایت و حکمت علوی را روشن می کند.

استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی با تأکید بر اینکه ولایت سلوک است؛ افزود: ولایت راز وصول و رسیدن است علاوه بر اعتقاد به ولایت مهم این است که انسان چقدر اتباع (پیروی) دارد. جز با اتباع نمی توان ادعای ولایتمداری کرد.

وی به ویژگی های تشیع که در هنر شیعی متبلور شده، اشاره کرد و گفت: محبت اهل بیت(ع) اساس تشیع است و ابن عربی در اول کتاب "فتوحات" جریان غدیرخم را روایت می کند. اساس تشیع آیه "قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودت فی القربی" است و ابن عربی در این باب سخنها گفته که ما هرچه برای اهل بیت انجام دهیم، کم است. مودت فی القربی در خانواده ما حب اهل بیت است که در هنر ما هم تجلی پیدا کرده است.

وی با اشاره به آیات تطهیر تصریح کرد: ولایت مقام طهارت نفس است و پاکی از همه رجس هاست و رجس تنها پلیدی ظاهری نیست بلکه پلیدی باطنی هم است بنابراین اهل ولایت کسی است که خود را از همه پلیدی های ظاهری و باطنی بری کند و هنر نیز باید بیان کننده این طهارت روح باشد.

دکتر اعوانی "نسبت درست کردن با حق" را یکی دیگر از ویژگی های شیعه خواند که در هنرش متجلی شده است و یادآور شد: خداوند در آیه ابتهال به این مسئله اشاره می کند. خداوند می گوید فرزندان ما و این فرزندی را به خود نسبت می دهد - البته این معنای مسیحی نیست- و از حضرت زهرا(س) تعبیر زنان ما کرده است و این نسبت زمینی نیست بلکه الهی است و در تفکر ولایی نسبتها ولایی می شود.

وی تأکید کرد: در واقع مسئله ولایت، نسبتها را الهی می کند. در قیامت نسبتها نیست و آن نسبتی در قیامت پایدار است که خداوند در اینجا با حق ایجاد کرده است.

استاد برجسته فلسفه ایران به دیگر ویژگی شیعه که در هنرش متجلی است اشاره کرد و گفت: مکان با ولایت متبرک می شود و قبور ائمه یک مکان عادی نیست و با همه اماکن متفاوت است و حضور الهی را در این مکانها می بینیم.

اعوانی به کتاب شعر ارسطو اشاره کرد و افزود: ارسطو در مورد تراژدی می گوید که شخصیت‌های تراژی خیلی شریف و بزرگ هستند برخلاف کمدی؛ و این غمی که بر آنها می آید و آن حزنی که بر انسان می آید باعث تزکیه نفس می شود. ما که محب اهل بیت(ع) هستیم و در غم و شادی آنها شریک هستیم این تراژدی 14 معصوم(ع) عظیم است و این حزنی که در مصیبت آنها بر ما حاکم می شود موجب پالایش روح ما و هنرمند می شود و در واقع این حزنی که با ولایت همراه است منجر به پالایش روح می شود.

به گزارش مهر؛ همایش ملی " هنر و تمدن شیعی " طی دور روز از 10 تا 11 اردیبهشت در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی برگزار می شود.